

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان
سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۴

گزارش طرح تحقیقاتی:

بررسی نقشها، کارکردها و میزان آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با بحرانهای سیاسی امنیتی

مجری: دکتر محمد حسین الیاسی

تهیه کننده: مهدی زروندی

اشاره

برخلاف باور تعداد اندکی از تحلیل گران سیاسی و امنیتی که کشمکشها، چالشها، تنشها و بحرانهای امنیتی، سیاسی و حتی جنگ را دارای ماهیت مردانه می دانند و سهم و نقش زنان را در فرآیند وقوع و از میان برداشتن آنها ناچیز و یا هیچ می پندارند، امروز اغلب تحلیلگران سیاسی و امنیتی، جامعه شناسان و روان شناسان نظامی بر این باورند که دست کم از سه قرن پیش

تاکنون، زنان در بسیاری از چالشها و کشمکشهای امنیتی جهان بویژه در مقابله با کشمکشها، نقش شگرف و در بسیاری موارد همسان با مردان ایفا کرده‌اند.

البته بسیاری از صاحب نظران، اتفاق نظر دارند که نقش زنان در مقابله با بحرانهای نظامی، اجتماعی و سیاسی کشورها، در سده بیستم میلادی بسیار برجسته‌تر از نقش آنان در سده‌های پیشین است. با اینکه در جنگ جهانی اول میلیونها زن روسی در یگانهای ویژه‌ای سازماندهی و بسیاری از آنان به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. این زنان از بین گروههای اجتماعی، تحصیلی، سنی و جغرافیایی مختلفی به ارتش فرا خوانده شده بودند. سن برخی از آنان حتی به ۱۴ سال نرسیده بود و عده زیادی از آنان را دانش آموزان دبیرستانی تشکیل می‌دادند. حماسه آفرینی‌های شگرف این زنان سرانجام در ماه می سال ۱۹۱۷ وزیر جنگ روسیه را وادار ساخت تا مبادرت به تشکیل واحدهای نظامی زنان کند.

دلاوری و از جان گذشتگی این زنان، تأثیر روانی عمیقی بر افکار عمومی روسیه گذاشت، به گونه‌ای که بسیاری از مردان و زنان روسی از تبلیغات وسیعی که درباره آنها صورت می‌گرفت متأثر شده بودند.

نقش آفرینی سایر زنان کشورهای اروپایی در جنگ جهانی اول کمتر از زنان روس نبود. در آن جنگ بالغ بر ۲۸۰ هزار زن فرانسوی در مشاغل مختلف مربوط به جنگ به کار گرفته شدند.

نقش زنان در دفاع از کشور خویش در برابر بیگانگان صرفاً به اروپا محدود نمی‌شود. حماسه آفرینی زنان ویتنامی در برابر اشغالگران آمریکایی، مقاومت زنان الجزایری در برابر انحصار فرانسه حاکی از نقش زنان در دفاع از کشورشان است. در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز زنان همواره در دفاع از سرزمین و کشور خویش در برابر متجاوزان و استعمارگران نقش آفرینی کرده‌اند.

مقاومت زنان فلسطینی در برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی و مبارزه در شهرها، روستاها، اردوگاههای نوار غزه و لبنان نقش عملیاتی ایفا کرده‌اند. نقش دختران اسرائیلی در حمله و وحشی‌گری علیه مردم مظلوم فلسطین نیز قابل ذکر است. زنان کویتی، پس از اشغال کشورشان توسط عراق، در سال ۱۹۹۰، نقش قابل توجهی در مقاومت علیه سربازان عراقی داشتند. در کشور لیبی نیز زنان در دفاع از کشور خویش در مقابل استعمار ایتالیا سهمی مهم داشته‌اند. در سالهای گذشته زنان افغانی نیز علی‌رغم تمام محدودیتهایی که بر آنان اعمال می‌شد، در مبارزه برای آزادی و استقلال کشور خویش و مقابله با اشغالگران روسی نقش انکارناپذیری داشته‌اند.

در جمهوری اسلامی ایران، نیز از زمان انقلاب اسلامی، زنان در بحرانهای مختلف نقش آفرینی کرده‌اند. در جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، زنان مسلمان با پیوستن به نهادهایی همچون بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی در حیطه‌های مختلف نظامی و پشتیبانی از رزمندگان ایفای نقش کرده‌اند. نقش آفرینی آنان نیز مورد تأیید حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفته است. چه به باور ایشان: پیشقدم شدن زنها در کلیه مسایل از جمله دفاع، جهاد و کمک کردن به جبهه‌ها اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد شوند و مردها هم قوی‌تر شوند. (صحیفه نور، جلد ۱۹، ۲۸۰)

اما نقش زنان در کشورهای مختلف هرگز به جنگ محدود نشده است. در بسیاری از کشورهای جهان، زنان نقش پراهمیتی در مقابله با بحرانهای داخلی اعم از سیاسی و اجتماعی دارند. در کشورهایی همچون لیبی اندونزی، سوریه، فیلیپین و ... برای مقابله با اعتصابات و تظاهرات‌ها و شورشهای شهری و روستایی از زنان استفاده می‌شود. در چنین شرایطی از زنان در فعالیتهای امدادی،

خدماتی، تبلیغاتی و اطلاع رسانی استفاده می‌شود و گاهی از آنها در فعالیتهای شبه نظامی، جاسوسی و حتی نظامی نیز استفاده می‌شود.

در ایران نیز پس از انقلاب اسلامی زنان در اینگونه عرصه‌ها نقش مهمی داشته‌اند، مثلاً در حدود یک دهه شورش و بحران در کردستان، صدها زن و دختر ایرانی با پیوستن به سپاه و بسیج و نیز خدمت در شهرهای کردنشین، در فعالیتهایی همچون امداد و درمان، تبلیغات و جنگ روانی، تهیه آذوقه، و خدمت در سرویسهای اطلاعاتی ایفای نقش کرده‌اند. هرچند به سبب وقوع سریع این بحرانها و عدم تجربه و زمان کافی برای سازماندهی و به کارگیری زنان در مقابله با بحرانها و شورشها، و حتی نقش آفرینی زنان ایرانی در جنگ تحمیلی و مقابله با شورشها، و بحرانهای سیاسی اجتماعی در سایر نقاط کشور، اغلب ابتکاری و خودجوش بوده است. اما اینک که شاهد تحولات شگرف و عمیقی در فنون و روشهای شورشگری، جنگ افزارهای فوق مدرن و احتمال وقوع مستمر کنشهای جمعی اعتراض آمیز در مخالفت با سیاستهای حاکم بر کشورها هستیم و احتمال به کارگیری زنان در جبهه مخالف در کنشهای سیاسی و جمعی نیز می‌باشد، بکارگیری خودجوش و اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی زنان، عملی پرمخاطره و بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد بود. در این پروژه فرآیند و امکان و چگونگی به کارگیری زنان ایرانی در شرایط بحرانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

طرح مسأله

از قرن‌ها پیش دولت مردان و فرمانروایان دنیا ضرورت اهمیت به کارگیری زنان را در جنگ و دفاع و شورش و بحران درک کرده بودند و آنان را در مختلف جنگ، سیاست و امنیت به کار می‌گرفتند، اما تا چند دهه اخیر بسیاری از آنان همچنان در این اندیشه بودند که ورود زنان به قلمروهای نظامی باید با احتیاط و تنها در شرایط خاص، صورت گیرد. حتی آن دسته از اندیشمندان و تحلیل‌گران نظامی که ضرورت حضور زنان را باور کرده بودند، اذغان می‌داشتند که بهره‌گیری از زنان در این قلمروها باید محدود بماند.

در دنیای امروز نه کسی را یارای پنهان ساختن نقش زنان در جنگ، صلح و امنیت و شورش است و نه در اساس کسی باور به مردانه بودن مطلق این حیطه‌ها دارد. چه جنگها و بحرانهای دنیای کنونی پیش از آنکه مبتنی بر قدرت عضلانی باشند، مبتنی بر توان ذهنی و قابلیت‌های فکری است، و زنان از این نظر نه ((کهنتر)) و نه ((مهنتر)) از مردانند. امروز، بی‌تردید مقابله اثربخش با بحرانهای سیاسی - امنیتی و اجتماعی و حفظ امنیت ملی جز با به کارگیری زنان میسر نخواهد شد. به دلیل اینکه :

- ۱- بسیاری از پدیدآورندگان بحرانها زنان را به کار گرفته‌اند پس مقابله با چنین کنشهایی برای موفقیت نیاز به حضور هر دو جنس دارد.
- ۲- بسیاری از بحرانها و شورشها به بهانه رفع ستم از زنان صورت می‌گیرد و استفاده از مردان تأیید ادعای آنان است.
- ۳- موفقیت زنان در پاره‌ای از فعالیتهای اطلاعاتی، تبلیغاتی، امدادی و گاهی بیش از مردان است.

۴- دامنه برخی بحرانهای خارجی و داخلی آنقدر وسیع و فراگیر است که جز با بهره‌گیری از تمامی پتانسیل‌های موجود نمی‌توان با آن مقابله کرد. پواضح است که نمی‌توان از مردان برای کنترل و مدیریت بحرانهای زنانه به دلیل بسیاری از ملاحظات استفاده کرد. گذشته از آن در صورت گسترده شدن دامنه اعتراضات زنان، مشروعیت نظام با مشکل مواجه می‌شود. در چنین شرایطی سازماندهی و به‌کارگیری به موقع و فراگیر زنان می‌تواند نظام را در برابر این تهدیدها مصون سازد.

چگونه می‌توان از زنان ایرانی در مقابله با تهدیدات و بحرانهای خارجی و داخلی به صورت منظم و روشمند استفاده کرد؟ و چنانچه جامعه از آمادگی لازم برای ورود به قلمروهای امنیتی - نظامی برخوردار باشد و موانع جدی برای ورود آنان به این قلمروها وجود نداشته باشد، چگونه و با چه ساز و کاری می‌توان زنان را برای مقابله با تهدیدات سازماندهی کرد؟ این پژوهش تلاش نموده با بهره‌گیری از روشهای علمی به پاسخی مناسب دست یابد.

نوع و روش تحقیق

این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است که در آن نظرات، دیدگاهها، آمادگیها و گرایشات آزمودنیها مورد بررسی و سنجش قرار گرفته و علاوه بر آن، پاره‌ای از ویژگیهای شخصیتی آزمودنیها نیز مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. جامعه آماری اصلی این تحقیق شامل کلیه دختران و زنان ایرانی است که در سنین ۱۵ تا ۵۰ سالگی قرار دارند که خود متشکل از سه خرده جامعه؛

- ۱- زنان شاغل در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲- دختران و زنان عضو بسیج سپاه پاسداران ۳- دختران و زنان غیر پاسدار و غیربسیجی است. حجم نمونه

جامعه اول حدود ۷۰۰۰ نفر است، جامعه دوم حدود ۲ میلیون دختر و زن بسیجی و جامعه سوم در برگیرنده حدود بیست میلیون نفر است. این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از جدول تاکنن با سطح خطای ۵٪ ملاک عمل قرار گرفت. حجم نمونه جامعه پاسدار ۲۴۰ نفر، حجم نمونه جامعه بسیجیان ۶۸۰ نفر و حجم نمونه جامعه دختران و زنان عادی ۱۳۶۰ نفر انتخاب شده است.

نتایج تحقیق

این پروژه که به منظور شناسایی حیطه‌های کنش‌ورزی زنان ایرانی در بحرانهای سیاسی-امنیتی احتمالی آتی، بخش میزان رغبت و آمادگی برای مداخله فعال و کارآمد در آن بحرانها، و نیز ارزیابی دیدگاهها، مواضع و نگرشهای مردان صاحب نظر و کارشناس کشورمان پیرامون ضرورت و قلمرو به‌کارگیری زنان در بحران، از بین زنان پاسدار، بسیجی و عادی ۸ استان کشور، نمونه‌ای به حجم ۲۲۰۰ نفر، و از بین کارشناسان، نمونه‌ای به حجم ۵۰ نفر انتخاب و مقیاسهایی که از روایی و اعتبار آنها اطمینان حاصل شده بود، اجرا شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS و از طریق چند آزمون آماری پارامتریک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که زنان ایرانی، اعم از پاسدار بسیجی و غیرنظامی:

- ۱- آمادگی زیادی برای مشارکت در کنشهای مختلف اجتماعی، سیاسی و امنیتی دارند.
- ۲- میزان رغبت آنان برای مداخله در ابعاد مختلف بحرانهای سیاسی - امنیتی با ویژگیهای فردی و شخصیتی آنان ارتباط معنی‌داری دارد.

۳- بین میزان تمایل و اشتیاق زنان استانهای مختلف کشور برای کنش‌ورزی در قلمروهای مختلف بحران، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که نگرش مردان صاحب‌نظر جامعه پیرامون نقش آفرینی زنان در برخی قلمروها و حیطه‌های مربوط به بحران، چندان مطلوب و مساعد نیست، درحالی که در بین آنان بر سر حضور زنان در قلمروهای غیرخشونت‌آمیز بحران کمابیش اتفاق نظر وجود دارد.